

آنچه در پی می‌آید نوشتاری است پیرامون اهمیت و جایگاه حدیث غدیر در اثبات امامت و وصایت امیرالمومنین علی(ع) که از منابع اهل سنت بیان شده و به برخی دلایل و شواهد متقن مربوط به دلالت واژه **مولی** بر سرپرستی و خلافت امام علی اشاره شده است. مطلب حاضر با اندک تلخیص و تصرف تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

نام غدیر را همه شنیده‌ایم، سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی «جحفه» که در حدود ۲۰۰ کیلومتری مکه واقع شده و چهارپایه‌ای است که خنّاج سرزمین‌های مختلف می‌توانستند در آنجا از هم جدا شوند؛

راهی به سوی مدینه می‌رود، در جهت شمال.

راهی به سوی عراق می‌رود، در جهت شرق.

راهی به سوی مصر می‌رود، در طرف غرب.

و راهی به سوی یمن، در جهت جنوب.

امروزه این سرزمین، سرزمین متروکی است؛ ولی روزی شاهد یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ اسلام بود و آن، روز نصب علی(ع) به جانشینی پیامبر گرامی‌اسلامی(صلی‌الله علیه و‌آله) در روز هجدهم ذی‌الحجهٔ سال دهم هجری) می‌باشد.

گرچه خلف رویی جهت سیاسی کوشیدند این خاطره عظیم تاریخی را از نظرها محو کنند و هم‌اکنون نیز بعضی از متعصبان به دلایلی که نافتنه پیداست، سعی در محو یا کمرنگ کردن آن دارند؛ ولی ابعاد این حادثه آن قدر در در صحنه تاریخ و حدیث و ادبیات عرب وسیع است که قابل پوشانیدن یا محو کردن نیست.

حدیث غدیر؛ سند گویای ولایت

حدیث غدیر یکی از دلایل روشن ولایت و خلافت بلاقل امیرمؤمنان علی(ع) بعداز پیامبر گرامی‌اسلام(ص) است و محققان اهَمِّتِ خاضی برای آن قابل هستند. متأسفانه کسانی که درباره ولایت آن حضرت گرفتار پیش‌داوری هستند، گاهی سند حدیث را پذیرفته و در دلالت آن تردید می‌کنند و گاه ناگاهانه سسند آن را زیر سؤال می‌برند.

برای روشن شدن ابعاد مختلف این حدیث، لازم است درباره هر دو موضوع با ذکر مدارک موثق و معتبر سخن بگوییم.

دورنمای غدیر

مراسم «حجّه‌الوداع» در ماه آخر سال دهم هجرت به پایان رسید، مسلمانان، اعمال حج را از پیامبر اسلام(ص) آموختند و در این هنگام، پیامبر گرامی تصمیم گرفت مکه را به عزم مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر شد، هنگامی که کاروان به سرزمین «ربیع» که در سه میلی «جحفه» قرار دارد رسید؛ جبریل، امین وحی، در نقطه‌ای به نام «غدیر خم» فرود آمد و حضرت را با ایه زیر مورد خطاب قرار داد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا يُلْقِئْ رَسَالَتِي» و الله يُعْصِمُكَ مِنْ التَّائِبِينَ؛ ای رسول! آنچه که از سوی خدا به تو فرستاده

با صراحت باید گفت که واژه مولی در این حدیث، بلکه در غالب موارد، یک معنا بیش ندارد و آن «اولویت و شایستگی» و به تعبیر دیگر «سرپرستی» است و قرآن نیز در بسیاری از آیات لفظ «مولی» را در معنی سرپرست و «اولی» به کار برده است.

شده، به مردم ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی رسالت خدا را تکمیل نکرده‌ای، خداوند تو را از آسیب مردم حفظ می‌کند» لحن ایه حاکی از آن است که خداوند انجام امر خطیری را برعهده پیامبر گذارده است که همسنگ رسالت و موجب یاس دشمنان اسلام بوده است؛ چه امر خطیری بالاتر از اینکه در برابر دیدگان بیش از صد هزار نفر، علی(ع) را به مقام خلافت و وصایت و جانشینی نصب کند؟! از این نظر، دستور توقف صادر شد. کسانی که جلو کاروان بودند، از حرکت باز ایستادند، و آنها که دنبال کاروان بودند، به آنها پیوستند و قطر ظه و هوا به‌شدت گرم بود، تا آنجا که گروهی از مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افتکند. برای پیامبر سبایی، به وسیله چادری که روی درخت افکنده بودند، تشکیل شد. آن حضرت بر روی نقطه بلندی که از جهاز شستر ترتیب داده شده بود، قرار گرفت و با صدای بلند و رسا خطبه‌ای ایراد کرد که عصاره‌اش این بود:

«حمد و ثنا مخصوص خداست. او یا یاری می‌طلبد و به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم. از بدی‌ها و اعمال ناشایست خود به او پناه می‌بریم. خدایی که جز او هادی و راهنمای نیست و هر کس را که هدایت کرد، گمراه‌کننده‌ای برای او نخواهد بود. گوی می‌دم که جز او معبودی نیست و متحد بنده و پیامبر او است.

هان ای مردم! نزدیک است من دعوت حق را لبیک

بگویم و از میان شما بروم. من مسئولم و شما نیز مسئول هستید»

سپس فرمود: «درباره من چه فکر می‌کنید؟…» (یا ما)

وظیفه خود را در برابر شما انجام دادم»)

در این موقع صدای جمعیت به تصدیق خدمات پیامبر بلند شد و گفتند:

«ها گواهی می‌دهیم تو رسالت خود را انجام دادی و کوشش نمودی، خدا تو را پادشای نیک دهد» پیامبر(ص) فرمود: «یا گواهی می‌دهید که معبود جهان یکی است و محمد بنده خدا و پیامبر او می‌باشد؛ و در بهشت و جُوز و زندگی جاویدان در سرای دیگر جای تردید نیست؟»

همگی گفتند: «آری صحیح است، گواهی می‌دهیم» سپس فرمود: «مردم! من دو چیز نفیس و گرانباه در میان شما می‌گذارم، ببینم بعد از من چگونه با این دو یادگار من رفتار می‌نمایید؟» «یا پیامبر! من بهشت و جنة را از تو و این یک نفر بر خاستم و با صدای بلند گفت: «منظور از این دو چیز نفیس چیست؟» پیامبرفرمود: «یکی کتاب خداست که یک طرف آن در دست قدرت خداوند و طرف دیگر آن در دست شما است و دیگری عترت و اهل بیت من است؛ خداوند به من خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد!» «ها ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید و در عمل با هر هر فرد دو، گواهی نکنید که هلاک می‌شوید!»

در این لحظه، دست علی(ع) را گرفت و او قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان شد و او را به همه مردم معرفی کرد.

سپس فرمود: «سزاوارتر بر مؤمنان از خود آنها کیست؟» همگی گفتند: «خدا و پیامبر او داناترند!»

پیامبر(ص) فرمود: «خدا مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنها از خودشان اولی و سزاوارترم.هان ای مردم! هَئِنْ كُنْتُمْ مُؤَلَاةَ فِهَذَا عَلِيٌّ مُؤَلَاةً؟ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَسَادُ مَنْ عَاداهُ وَاجِبُ مَنْ أَحَبَّهُ وَ الْبَغْضُ مَنْ أَبْغَضَهُ وَافْضَرُ مَنْ فَضَرَهُ وَاخْلُدْ مَنْ خَذَلَهُ وَ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ خَيْثُ دَاةُ: هر کس من سرپرست و مولای او هستم علی مولای او است. خداوندا! کسانی که علی را دوست دارند، دوست بدار؛ و کسانی که او را دشمن بدارند دشمن دار. خدا!یا آنها که علی را یاری کنند یاری کن و آنها که دست از یاری او بردارند آنها را از یاری خود محروم ساز و حق را بر محور وجود او بگردان!»^(۱)

امامت علی(ع) آشکار است.

جاودانی داستان غدیر

اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعه تاریخی خود را تمام قرون و اعصار به صورت یک تاریخ زنده که دل‌ها به سوسی آن جذب می‌شوند، بماند و نویسندگان اسلامی در هر عصر و زمانی در کتاب‌های تفسیر و تاریخ و حدیث و کلام، پیرامون آن سخن بگویند که گویندگان مذهبی در مجالس وعظ و خطابه درباره آن داد سخن دهند و آن را از فضایل غیرقابل انکار امام علی بن ابیطالب(ع) بشمارند.

نه تنها خطبا و گویندگان، بلکه «شعر» از این واقعه الهام گرفته و ذوق ادبی خود را از تفکر و اندیشه پیرامون این حادثه و از فزونی اخلاص به صاحب ولایت، بر فروغ سازند و عالی‌ترین اشعار را به صورت‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف از خود به یادگار بگذارند. (مرحوم علامه امینی بخش مهمی از اشعار غدیریّه را قرن در قرن در تاریخ اسلام با شرح حالات این سرایندگان در مجلدات یازده‌گانه الغدیر از منابع معروف اسلامی آورده است).

به تعبیر دیگر، کمتر واقعه تاریخی در جهان، بسنان رویداد «غدیر»، مورد توجه طبقات مختلف، از محدث و مفسر و متکلم و فیلسوف و خطیب و شاعر و مورخ و سیره‌نویس واقع شده است.

یکی از علل جاودانه بودن این حدیث، نزول دو ایه^(۲) از آیات قرآن پیرامون این واقعه است و تا قرآن ابدی و جاودانی است، این واقعه تاریخی نیز از خاطر ده‌ها محو نخواهد شد.

معرفیت واقعه غدیر در میان ملت‌های گذشته
نکته جالب اینکه از مراجعه به تاریخ، به خوبی معلوم می‌شود که روز هجدهم ذی‌الحجه، در میان مسلمانان به نام روز عید غدیر معروف بود، تا آنجا که «ابن خلکان»، درباره «المستعلی ابن المستنصر» می‌گوید: «در سال ۴۸۷ فرمود: «خدا را سبایس می‌گزارم که این خود را کامل کرد است، مردم با او بیعت کردند»^(۳) و درباره المستنصر بالله



«پیامبر(ص) پس از آنکه از غدیر خم، دست علی(ع) را گرفت و او را قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان شد و او را به همه مردم معرفی کرد.»

«پیامبر(ص) پس از آنکه از غدیر خم، دست علی(ع) را گرفت و او را قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان شد و او را به همه مردم معرفی کرد.»

دانشمندان ششیعه نیز پیرامون این واقعه تاریخی، کتاب‌های ارزنده فراوانی نگاشته‌اند و به منابع مهم اهل سنت نیز اشاره کرده‌اند که جامع‌ترین آنها کتاب تاریخی «الغدیر» است که به خامه توانای نویسنده نامی اسلامی، علامه مجاهد، مرحوم ایتالله امینی نگارش یافته است (در نگارش این بخش، از آن کتاب استفاده فراوانی به عمل آمده) به هر حال، پیامبر(ص) پس از نصب امیرمؤمنان علی(ع) آیات قرآن پیرامون این واقعه است و تا قرآن ابدی و جاودانی است، این واقعه تاریخی نیز از خاطر ده‌ها محو نخواهد شد.
معرفیت واقعه غدیر در میان ملت‌های گذشته
نکته جالب اینکه از مراجعه به تاریخ، به خوبی معلوم می‌شود که روز هجدهم ذی‌الحجه، در میان مسلمانان به نام روز عید غدیر معروف بود، تا آنجا که «ابن خلکان»، درباره «المستعلی ابن المستنصر» می‌گوید: «در سال ۴۸۷ فرمود: «خدا را سبایس می‌گزارم که این خود را کامل کرد است، مردم با او بیعت کردند»^(۳) و درباره المستنصر بالله

حدیث غدیر

گویاترین سند امامت علی(ع)

۱- آیت‌الله مکارم شیرازی

جانشینی علی پس از من خشنود گشت.» سپس حضرت از آن نقطه مرتفع فرود آمد و به علی(ع) فرمود: «در زیر خیمه‌ای بنشین، تا سران و شخصیت‌های بارز اسلام با تو بیعت کنند و تبریک گویند.»

پیش از همه، شیخین (عمر و ابوبکر) به علی(ع) تبریک گفتند و او را مولای خود خواندند.

حسان بن ثابت، فرصت را مغتنم شمرد، با کسب اجازه از محضر پیامبر اشعاری سرود و در برابر آن حضرت خواند که ما فقط دو بیت آن را در این‌جا نقل می‌کنیم که بسپار گویاست:

فقال لهُ قُم یا عَلیُّ فانّنی رضیتک من بعدی اماماً وهادی فَمَنْ کُتِبَ مَولاهُ فِهْنا وَلَیْته فَمَنْ کُتِبَ اتِّباعُ صدقِ مَولِیْا

یعنی: «به علی فرمود برخیز که من تو را برای جانشینی و راهنمایی مردم پس از خویش انتخاب کردم. هر کس من مولای و سرپرست او هستم علی مولای او است و هر که در حالی که او را از صمیم دل دوست می‌داری، از پیروان او باشی.»^(۴)

حدیث غدیر از بزرگ‌ترین شواهد بر فضیلت و برتری امام علی(ع) بر تمام صحابه پیامبر اسلام(ص) است. حتی امیرمؤمنان، در مجلس شورای خلافت -که پس از درگذشت خلیفه دوم منعقد شد-^(۵) و نیز در دوران خلافت عثمان و ایام خلافت خویش به آن احتجاج کرده است.^(۶) از این گذشته، شخصیت‌های بزرگی مانند حضرت زهر(ا)، همواره به این حدیث در برابر مخالفان و متکران مقام ولای علی(ع) استدلال کرده‌اند.^(۷)

مقتوداز «مولی» چیست؟

مسئله مهم در این‌جا تفسیر معنی مولات است که در عین وضوح، مورد بی‌مهری‌های فراوانی قرار گرفته است، زیرا با آنچه گفته شد، شک و تردیدی در قطعی بودن سند این حدیث باقی نمی‌ماند.

دلایلهای جویان به سراغ ایجاد شک و تردید در مفهوم و معنی حدیث، مخصوصاً واژه «مولی» رفته‌اند که از آن هم طرفی نبسته‌اند.

بـا صراحت باید گفت که واژه مولی در این حدیث، بلکه در غالب موارد، یک معنا بیش ندارد و آن «اولویت و شایستگی» و به تعبیر دیگر «سرپرستی» است و قرآن نیز در بسیاری از آیات لفظ «مولی» را در معنی سرپرست و «اولی» به کار برده است.

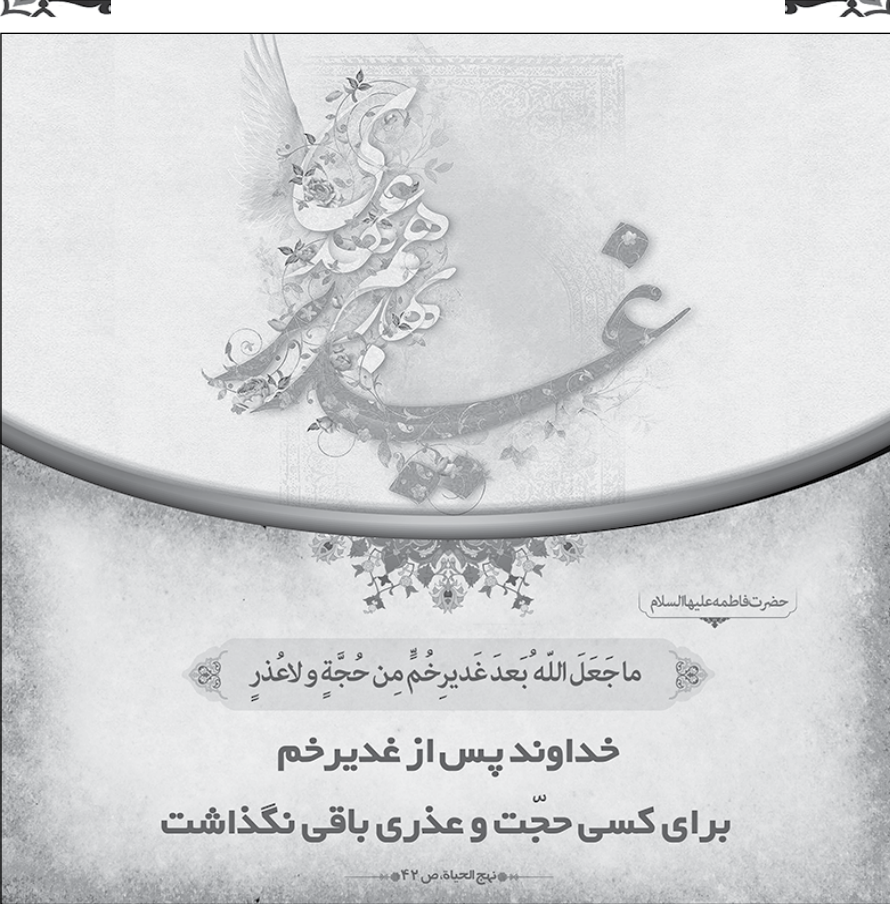
واژه مولی در ۱۸ آیه قرآن به کار رفته که ۱۰ مورد آن درباره خداوند است و بدهی‌ی است که مولویت خداوند به معنی اولویت و سرپرستی اوست و تنها در موارد بسیار کمی به معنی دوستی به کار رفته است. بنابراین نباید در اینکه «مولی» در درجه اول به معنی اولی و شایسته‌تر است، تردید کرد و در حدیث غدیر نیز «مولی» به همین معناست، به علاوه، شواهد و قرائن فراوانی با آن همراه است که به روشنی ثابت می‌کند که منظور اولویت و سرپرستی است.

گواهان صدق این مدعا

فرض کنید «مولی» در لغت معنای متعدّدی داشته باشد؛ ولی قرائن و شواهد فراوانی در حدیث غدیر و این رویداد بزرگ تاریخی وجود دارد که هر گونه ابهامی را از میان برمی‌دارد و با همه، انتمام حجت می‌کند:

معارف

کمتر واقعه تاریخی در جهان، بسان رویداد «غدیر»، مورد توجه طبقات مختلف، از محدث و مفسر و متکلم و فیلسوف و خطیب و شاعر و مورخ و سیره‌نویس واقع شده است. یکی از علل جاودانه بودن این حدیث، نزول دو ایه از آیات قرآن پیرامون این واقعه است و تا قرآن ابدی و جاودانی است، این واقعه تاریخی نیز از خاطره‌ها محو نخواهد شد.



«پیامبر(ص) پس از آنکه از غدیر خم، دست علی(ع) را گرفت و او را قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان شد و او را به همه مردم معرفی کرد.»

«پیامبر(ص) پس از آنکه از غدیر خم، دست علی(ع) را گرفت و او را قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان شد و او را به همه مردم معرفی کرد.»

دانشمندان ششیعه نیز پیرامون این واقعه تاریخی، کتاب‌های ارزنده فراوانی نگاشته‌اند و به منابع مهم اهل سنت نیز اشاره کرده‌اند که جامع‌ترین آنها کتاب تاریخی «الغدیر» است که به خامه توانای نویسنده نامی اسلامی، علامه مجاهد، مرحوم ایتالله امینی نگارش یافته است (در نگارش این بخش، از آن کتاب استفاده فراوانی به عمل آمده) به هر حال، پیامبر(ص) پس از نصب امیرمؤمنان علی(ع) آیات قرآن پیرامون این واقعه است و تا قرآن ابدی و جاودانی است، این واقعه تاریخی نیز از خاطر ده‌ها محو نخواهد شد.
معرفیت واقعه غدیر در میان ملت‌های گذشته
نکته جالب اینکه از مراجعه به تاریخ، به خوبی معلوم می‌شود که روز هجدهم ذی‌الحجه، در میان مسلمانان به نام روز عید غدیر معروف بود، تا آنجا که «ابن خلکان»، درباره «المستعلی ابن المستنصر» می‌گوید: «در سال ۴۸۷ فرمود: «خدا را سبایس می‌گزارم که این خود را کامل کرد است، مردم با او بیعت کردند»^(۳) و درباره المستنصر بالله

باشند، رابطه این جمله‌ها به هم خورده و کلام، استواری خود را از دست می‌دهد و پیوند کلام به هم می‌خورد، آیا چنین نیست؟

گواه پنجم:
پیامبر(ص) در آغاز خطابه خود، از مرگ و رحلت خویش سخن می‌گوید و می‌فرماید: «يَئِیُّ اَوْشَکُ اِنْ ادَّعیَ فَاقْبِیْ: نزدیک است دعوت حق را لبیک بگویم.»^(۳)

ایـن جمله حاکی از آن است که پیامبر می‌خواهد برای پس از رحلت خود چاره‌ای بیندیشد و خلایق را که از رحلت آن حضرت پدید می‌آید، پر کند. آنچه می‌تواند چنین خلایق را پر کند، تعیین جانشینی است لایق و عالم که زمام امور را پس از رحلت آن حضرت به دست بگیرد، نه چیز دیگر.

هر گاه ولایت را به غیر خلافت تفسیر کنیم، رابطه منطقی کلمات پیامبر به طور آشکار به هم می‌خورد، در حالی که او از فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخنگویان است. چه قرینه‌ای از این روشن‌تر برای مسئله ولایت پیدا می‌شود؟

گواه ششم:

پیامبر(ص) پس از جمله «مَنْ كُنْتُ مُؤَلَاةً» چنین فرمود: «اللهُ اكْبَرُ عَلَی اِکمالِ الدِّینِ وَ اِنْمامِ التَّعَمُّةِ وَ رَضَی الرَّبَّ بِرِسالَتِی وَ الِاولَایةِ عَلَیْیَ مِنْ بَعْدِی، الله اکبر بر کمال نمودن این دین و به سرحد کمال رساندن نعمت و رضایت پروردگار!»

هر گاه مقصود، دوستی و یاری فردی از مسلمانان است، چگونه با گویند مودّت و دوستی علی(ع) و نصرت او، دین خدا تکمیل گردید و نعمت او به منتهی رسید؟ روشن‌تر از همه، اینکه می‌گوید: خداوند به رسالت من و ولایت علی(ع) بعد از من راضی گردید.^(۴) آیا اینجا همه گواه روشن‌ر بر معنی خلافت نیست؟

گواه هفتم:

چه گواهی روشن‌تر از اینکه شیخین (عمر و ابوبکر) و گروه بی‌شماری از یاران رسول خدا(ص) پس از فرود آمدن آن حضرت از منبر، همان به علی(ع) تبریک گفته و موضوع تهنیت تاوقت نماز مغرب امله داشت و شیخین از نخستین افرادی بودند که به امام با این عبارت تهنیت گفتند: «فَهِیَا لَکَ یا عَلِیُّ بِنِ اَیِّ طَالبِ اُصْنَبَتْ وَ اُشْنِیْتُ مُؤَلَاةً وَ مُوَلِیَ کُلِّ مَولَیٍّ وَ مُؤَمَّنَةً»^(۵) «گوارا باد بر تو یا علی، صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای من و مولای هر مرد و زن باایمان هستی!» (علی(ع) در آن روز چه مقامی به دست آورد که شایسته چنین تبریکی شد؟ آیا جز مقام زعامت و خلافت و رهبری امت که تا آن روز به طور رسمی ابلاغ نشده بود، شایسته چنین تهنیت می‌باشد؟ محبّت و دوستی چیز ثامی نبود.

گواه هشتم:

هر گاه مقصود همان مراتب دوستی علی(ع) بود، دیگر لازم نبود که این مسئله در چنان هوای گرم و سوزان مطرح شود (کاروان یکصد هزار نفری را از رفتن باز دارد و مردم را در آن هوای گرم وری رنگ و سنگ‌های داغ بیابان بنشانند و خطابه مفضل بخواند)؟

مگر قسّران همه افراد جامعه با ایمان را برادر یکدیگر نخوانده بود، چنان‌که می‌فرماید: «أَیُّها الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ»^(۶)

افراد با ایمان برادر یکدیگرند.»

مگر قرآن، در آیات دیگری افراد با ایمان را دوستان یکدیگر معرفی نکرده‌است؟ علی(ع) نیز عضو همان جامعه با ایمان بود، دیگر چه نیازی بود و به فرض که مصلحتی در اعلام این دوستی بود، احتیاج به این مقدمات و این همه شرایط سخت نبود، در مدینه هم ممکن بود. بقیّین مسئله بسپار مهم‌تری بوده که نیاز به این مقدمات استثنایی داشت، مقدماتی که در زندگی پیامبر(ص) بی‌سابقه بود و نظیر آن هرگز تکرار نشد.

پانوشته‌ها:

- ۱- رباع، هم‌اکنون در وسط راه مکه به مدینه است.
- ۲- یکی از میقات‌های احرام است و در گذشته راه اهل مدینه و مصر و عراق از آنجا منشعب می‌شد.
- ۳- مائده / ۶۷.
- ۴- پیامبر برای اطمنان خاطر، این جمله را سه بار تکرار کرد که مبایا بعداً انتصابی رخ دهد.
- ۵- این فراز از حدیث غدیر در گاهی قسمت اول آن بدون قسمت دوم به کار می‌رود. سفیدر نیز آمده است: مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۲۵۴؛ تاریخ مشق، ج ۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۴۴۸. خلاصی سبائی، ص ۱۸۱ و کتب دیگر.
- ۶- این حدیث در گروه کثیری از علمای معروف و مشهور اهل سنت در کتاب‌های خود آورده‌اند؛ جمله: مسنداحمد، ج ۱، ص ۸۴، ۱۱۸، ۸۸، ۱۱۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۲۳۱، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷